

برخوردار شد. این دوره همچنین آزادسازی بازار و اصلاحات مستمر به وقوع پیوست که منجر به افزایش درآمد و کاهش سریع فقر شد و رفاه اقتصادی را بهبود بخشید.

از جمله مواردی که در تدوین سیاست‌های صنعتی ایران باید به آن توجه شود، حرکت از بازرگانی به تجارت جهانی و ایجاد کسب‌وکارهای بین‌المللی است. چین به دلیل دسترسی به نیروی کار ارزان قیمت، سیاست تولید صنعتی صادرات محور را در پیش گرفت و توانست سرعت رشد خود را ارتقا بخشد. کشور ایران علاوه بر دسترسی به نیروی کار ارزان قیمت نسبت به سایر کشورها و توان تأمین انرژی ارزان برای صنایع می‌تواند این اثرگذاری و رشد را دوچندان تجربه کند. ارزان بودن نهاده‌های تولید در کشور باعث افزایش توان رقابت خارجی و پیروزی صنعت کشور در جنگ قیمت جهانی می‌شود. علاوه بر برنامه‌ریزی جهش تحقق این مهم، باید روند بازگشت سرمایه و افزایش کیفیت محصولات تولیدی نیز مورد توجه قرار بگیرد. این امر نکته‌ای است که مورد ملاحظه سیاستگذاران کشور چین قرار گرفت.

تأمین مالی و توسعه صنایع سرمایه‌بر

نقطه عطف صنعتی شدن در چین در سال ۱۹۹۲ بود. از سال ۱۹۹۲، دولت سیاست جدید توسعه صنایع سرمایه‌بر از جمله فولاد، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل را در اولویت سیاست صنعتی خود قرار داد و سهم این صنایع در ارزش افزوده صنعتی به سرعت افزایش یافت. کل سهم منسوجات و مواد غذایی در صنعت به کمک سرمایه‌گذاری‌های کلان در این صنایع، در سال ۱۹۹۲ به ۲۸ درصد و پس از سال ۲۰۰۴ به زیر ۲۰ درصد کاهش یافت؛ درحالی‌که کل سهم صنایع فلزی، فولادی، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل از ۳۷،۲ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۴۳،۶ درصد در سال ۲۰۰۰ (و بیشتر از ۵۲ درصد در سال ۲۰۱۰) افزایش یافت. مداخله دولت در این دوره بسیار گسترده بود و جریان‌های بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی به لطف سیاست درهای باز دولت به رونق سرمایه‌گذاری در این صنعت کمک کرد. در این دوره بانک‌های دولتی نیز جوهی را برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی فراهم کردند.

از جمله مهم‌ترین صنایعی که ایران پتانسیل رشد و افزایش توان تولید در آن دارد، صنعت فولاد است. نگاه به تجربه و سیاست‌های تدوینی کشور چین نشان می‌دهد که این کشور توانسته جایگاه مطلوبی در تولید و مصرف فولاد

داشته باشد. فولاد که عموماً در ساخت‌وساز و بخش‌های زیرساختی، صنعت قطعه و اتومبیل، تولید انواع ماشین‌آلات و نیز صنعت ساخت لوازم مورد استفاده در خانه و آشپزخانه مصرف دارد؛ پایه اصلی ساخت دنیای جدید است. چین و پس از آن اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین سازندگان فولاد جهان هستند و پس از این دو، ژاپن، ایالات متحده، هند، روسیه و کره جنوبی جزو بزرگان صنعت فولاد هستند. ایران نیز سال ۲۰۲۱ با تولید بیش از ۲۸/۵ میلیون تن و اندکی افت دهمین فولادساز جهان بوده است.

مبثتی بر سیاست‌های صنعتی ایران، تولید فولاد تا سال ۱۴۰۴ به ۵۵ میلیون تن در سال خواهد رسید. نکته‌ای که در تدوین نقشه راه صنعت باید به آن توجه شود، کیفیت تولید توأمان با کمیت آن است. به عنوان یک آسیب کلی بر برنامه‌های صنعتی می‌توان بیان داشت که در گذشته شاید توجه به مقدار تولید بوده است؛ اما امروزه با توجه به سیاست‌های همپایی لازم است کیفیت تولید نیز مورد توجه قرار بگیرد. به عنوان نمونه، به جای آنکه هدف صنعت تولید ۵۵ میلیون تن فولاد باشد، این رقم باید حدود ۳۰ میلیون تن فولاد آلیاژی باشد. بهترین راهکار برای رشد صنایع ایجاد تعامل با کشورهای پیشرو و تسهیل ورود فناوری است.

از سوی دیگر با وجود تحریم‌های وضع شده علیه ایران، این کشور هنوز توان بالایی در جذب سرمایه‌گذار خارجی دارد. باید مورد توجه سیاستگذاران قرار بگیرد که ورود تجهیزات، فناوری و نیروی متخصص نیز به نوعی جذب سرمایه به حساب می‌آید و باید برای اینها برنامه‌های مشخصی تدوین گردد. سرمایه‌گذار خارجی توان تولید ارزان در ایران و صادرات به کشورهای دیگر را دارد و این یک مزیت اساسی در تأمین مالی و رونق تولید کشور به حساب می‌آید. بهترین کشوری که می‌توان با آن ارتباط صنعتی، مالی و فناوریانه برقرار کرد، چین می‌باشد. با عنایت به اینکه این کشور توانسته همپایی اقتصادی را به صورت مثبت تجربه کند، الگو مناسب جهت ایجاد ارتباط صنعتی و اقتصادی می‌باشد.

الحاق به سازمان‌های جهانی و توجه به صنایع پیشرفته

نقطه عطف مهم دیگر در روند صنعتی شدن چین مربوط به سال ۲۰۰۱ است؛ سالی که چین به سازمان تجارت جهانی پیوست و به همین واسطه سهم سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص داخلی به طور قابل توجهی افزایش

از جمله مواردی که در تدوین سیاست‌های صنعتی ایران باید به آن توجه شود، حرکت از بازرگانی به تجارت جهانی و ایجاد کسب‌وکارهای بین‌المللی است. چین به دلیل دسترسی به نیروی کار ارزان قیمت، سیاست تولید صنعتی صادرات محور را در پیش گرفت و توانست سرعت رشد خود را ارتقا بخشد